

ماهیت جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور*

محمد رضا کیمی (نویسنده مسئول) **

رضا دانشور ثانی ***

محمد باقر گرایلی ****

چکیده

موضوع مورد بحث در این مقاله بررسی ماهیت جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور، از جهت حدی یا تعزیری بودن است. جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور مجموعه‌ای متشکل از ۳۰ مصداق مجرمانه است که در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور ذکر شده است. در ماهیت جرم مورد بحث دو احتمال قابل تصور است؛ احتمال اول اینکه این جرم ماهیتی دوگانه داشته و در شرایطی حدی و در شرایطی دیگر تعزیری است. نظر قانونگذار جمهوری اسلامی ایران با توجه به عدم ذکر مجازات اعدام در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی این است که این جرم در فرضی که افساد فی الارض محسوب شود یک جرم حدی است. احتمال دوم این است که این جرم در هر حالتی، از جهت نقض مقررات حکومتی مصوب حاکمیت نظام اسلامی، یک جرم تعزیری است. جستار پیش رو با روش توصیفی، تحلیلی در پی اثبات آن خواهد بود که با توجه به اختیارات در نظر گرفته شده در شرع برای حکومت اسلامی، می‌توان به تعزیری بودن مطلق این جرایم قائل شد. این نظریه مطابق با اصل اولیه در جرایم یعنی تعزیری بودن است.

کلید واژه‌ها: ماهیت، اخلال، نظام اقتصادی، حد، تعزیر.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** طلبه و دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم اسلامی رضوی/

m.reza.komeili@gmail.com

*** دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی / daneshvar.sani@gmail.com

**** استادیار جامعه المصطفی العالمیه / gerayeli1378@yahoo.com



مقدمه

به گواه «الحرمت قصاص» (بقره: ۱۹۴)، هر چیز محترمی اعم از نفوس، اعراض و اموال، در صورت هتک، پیامدهایی خواهد داشت. اقامه حدود الهی بسان عمل جراحی است که از مقام ولایت امر بر پیکر بیمار جامعه آلوده به سیئات اعمال می‌شود تا سلامت طبیعی خود را باز یابد.

پس از اثبات ضروری بودن اقامه حدود الهی، مرزبندی میان انواع جرایم مستلزم کیفر، نیز امری مطلوب بوده و در نظام جزایی اسلام، وجود تفاوت بین جرایم موجب حد و تعزیر امری مورد پذیرش می‌باشد، به گونه‌ای که بنا به نظر مشهور «حد» در اصطلاح خاص به مجازاتی اطلاق گردیده است که شارع، اندازه و نوع آن را به شکلی دقیق بیان نموده و برای حاکم اسلامی در تعیین آن نقشی قائل نشده است؛ به خلاف «تعزیر» که در آن، امر تعیین نوع و مقدار مجازات در اختیار حاکم اسلامی می‌باشد. در راستای ارتباط بین این دو مجازات، قواعدی مثل «التعزیر بما دون الحد» و «التعزیر بما یراه الحاکم» در بین فقها مشهور است، اما اینکه چه جرمی را در مقوله حدود و کدام را در زمره تعزیر محسوب نماییم، نیاز به تتبع دقیق در متون فقهی و حقوقی و تحلیل دقیق آن‌ها دارد.

جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور نیز از این امر مستثنا نیست و با توجه به پیچیده بودن برخی گونه‌های نوظهور آن، نیاز به کنکاشی جدی‌تر خواهد داشت. آنچه واضح می‌نماید آن است که قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نسبت به جرایم مخل نظام اقتصادی، سیاست کیفری افتراقی اتخاذ کرده و واکنش‌های شدیدتری نسبت به آن در مقایسه با سایر جرایم در نظر گرفته است. (چگینی و کرمانشاهی، ۱۳۹۸: ۷۸)

قانونگذار، علاوه بر وضع قانون خاص، جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور را یکی از جرایم اقتصادی موضوع تبصره ماده ۳۶ و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قرار داده است.

این جستار با روشی توصیفی، تحلیلی به دنبال تحلیل این پرسش است که با توجه به مبانی فقهی و قانونی، آیا جرایم موضوع قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور در زمره جرایم حدی است یا تعزیری؟ در مورد مسئله بیان شده دو فرضیه تعزیری بودن جرایم قانون مبارزه با اخلالگران در نظام اقتصادی کشور و همچنین ماهیت دوگانه داشتن این جرایم - در برخی فروض، تعزیری و در برخی حالات، حدی - قابلیت طرح را دارد.

نویسنده در صدد اثبات هر دو فرضیه در قالب دو نظریه و در نهایت بیان مرجحات نظریه دوم است. توجه به ناسازگاری مجازات اعدام با هدف اصلاح و تربیت در تعزیرات و همچنین آثار و پیامدهای نظریه منتخب از جهت چگونگی اثبات جرم، پذیرفته شدن شفاعت، کفالت و تخفیف از نکات بحث شده در این تحقیق است.

۱. پیشینه پژوهش

مهم‌ترین نگاه‌هاهایی که در موضوع مورد بحث به رشته تحریر درآمده‌اند عبارت‌اند از:

۱. کتاب *حقوق کیفری اقتصادی* نوشته دکتر عباس زراعت؛ نویسنده پس از اینکه در بخش اول به قواعد عمومی حقوق کیفری اقتصادی پرداخته است، در بخش دوم، مصادیق جرایم اقتصادی را به بحث گرفته است. چهارمین جرمی که پس از جرایم پولشویی، قاچاق و قاچاق انسان در این بخش به آن پرداخته شده است، جرم «اخلال در نظام اقتصادی» است و در آن این مباحث، به بحث گرفته شده است: عنصر قانونی و ابهامات آن، مجازات‌ها، مرجع رسیدگی به دعاوی و مصادیق اخلال در نظام اقتصادی کشور.

در بخش مجازات‌ها، به بحث اقسام مجازات‌ها، مجازات اعدام و احکام آن، مجازات ضبط مال، مجازات شلاق، مجازات تميمی، مجازات اشخاص حقوقی، مجازات شروع در جرم و مجازات معاون و شریک جرم، ممنوعیت تعلیق و تخفیف مجازات پرداخته شده است.

۲. کتاب *اخلال در نظام اقتصادی کشور*، نگاشته سهیل کبیری و علی اصغر شفیعی (۱۳۹۷)؛ در فصل اول کتاب، بحث سیاست جنایی و جرایم اقتصادی و در فصل دوم، مصادیق و ارکان اخلال در نظام اقتصادی کشور تشریح شده است. مجازات اخلال در نظام اقتصادی کشور در فصل سوم و در دو مبحث اقسام مجازات‌های مرتکبین این جرم و انواع مجازات هر یک از جرایم اخلال در نظام اقتصادی کشور به بحث گرفته شده است.

۳. کتاب *سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی*، نوشته اعظم مهدوی‌پور (۱۳۹۵)؛ نویسنده پس از اینکه در بخش اول به شناسایی جرایم اقتصادی پرداخته است، در بخش دوم وارد بحث جلوه‌های سیاست کیفری افتراقی در مبارزه با جرایم اقتصادی شده است. در این بخش، دو مبحث جلوه‌های شکلی سیاست کیفری افتراقی در قلمرو جرایم اقتصادی و جلوه‌های ماهوی سیاست کیفری افتراقی، به بحث





گرفته شده است. در مبحث اخیر، در یکی از گفتارها به دو رویکرد ارعابی و ارفاقی پرداخته و در رویکرد ارعابی، هم مجازات‌های اصلی و هم مجازات‌های تکمیلی و تبعی را تبیین نموده است.

۴. پایان‌نامه «جرم انگاری و مجازات رفتار اخلال در نظام اقتصادی کشور» نگاشته حسام الدین مزروعی (۱۳۹۵)؛ نویسنده پس از آنکه در فصل اول، به بیان مصادیق جرایم اقتصادی، مفاهیم و تاریخچه آن پرداخته است، در فصل دوم وارد بحث از وضعیت جرم‌انگاری جرم اقتصادی، مجازات‌ها و بررسی معیارهای آن گردیده است.

۵. پایان‌نامه «ارزیابی مداخله کیفری در حوزه اخلال در نظام اقتصادی کشور»، نوشته مهرانگیز روستایی (۱۳۸۵).

بررسی این آثار نشان می‌دهد آنچه در تمام نگاشته‌های مذکور مورد غفلت قرار گرفته است، عدم توجه به ماهیت حدی یا تعزیری بودن جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور است که این نوشتار در جستجوی آن می‌باشد.

همان طور که ملاحظه می‌گردد در تحقیقات و تألیفات ذکر شده، نگاهی که به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور گردیده است، از زوایایی غیر از جهت بررسی ماهیت حدی یا تعزیری بودن آن است و همین امر، جنبه نوآوری و جدید بودن تحقیق پیش رو را آشکار می‌سازد.

قبل از تحلیل نظرات درباره ماهیت جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور، برای بررسی بهتر موضوع، لازم است تا تعریفی از جرم اخلال در نظام اقتصادی ارائه شود؛ به اصل اولیه در جرایم از جهت تعزیری یا حدی بودن و همچنین تبدیل ماهیت در حدود و تعزیرات نیز اشاره گردد.

۲. مفهوم و گونه‌شناسی

در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور^۱ صرفاً به ذکر مصادیق متعدد جرم مزبور (۳۰ مصداق) اکتفا شده است و از تعریف آن اثری دیده نمی‌شود. البته با

۱. ماده ۱، بندهای «الف» تا «ز».

توضیحی^۱ که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ارائه کرده تا حدودی ابهام عدم تعریف را برطرف نموده است.

۲. ۱. تعریف جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور

ابتدا لازم است هر یک از واژه‌های مذکور در عنوان به صورت جداگانه تبیین شود.

۲. ۱. ۱. تبیین واژه «اخلال»

این کلمه، مصدر باب افعال و از نظر لغت به معنای خلل آوردن، خلل و رخنه کردن، خلل رسانیدن، زیان رسانیدن، به هم زدن و در هم و برهم کردن، است. (معین، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۷۴) اخلاکگر به کسی می‌گویند که در کاری یا هر امر دیگری خلل وارد کرده و انتظام آن را بر هم می‌زند.

۲. ۱. ۲. تبیین واژه «نظام اقتصادی»

واژه «نظام» از نظر علوم گوناگون دارای تعریف‌های متفاوتی است. به باور بعضی نویسندگان «نظام مجموعه عناصری است که میان آن روابطی وجود داشته یا بتواند ایجاد شود.» (نمازی، ۱۳۸۲: ۷۹) نظام اقتصادی نیز یک مجموعه به هم پیوسته و منظم و دارای عناصر و اجزای متوازن است. در نتیجه بین آن‌ها ارتباط معناداری وجود دارد و اخلال در هر یک از ارکان و اجزای آن، انتظام مجموعه را مخدوش می‌نماید.

تحلیل و تبیین «اخلال در نظام اقتصادی کشور» آن است که برای تحقق این عنوان لازم است، بر نظام اقتصادی کشور یعنی اجزای بدنه اقتصاد کشور که به صورت منظم در حال کنش و واکنش هستند، عاملی عارض گردد که نظم میان اجزا را برهم زند و وصف «مجموعه منظم» را زایل کند. (چگینی و کرمانشاهی، ۱۳۹۸: ۷۲)

۱. ماده ۲۸۶: هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.



تعریف روشنی برای جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور در قوانین جمهوری اسلامی ایران، وجود ندارد ولی توجه به فرازهای گوناگون قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، می‌توان جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور را به شرح زیر تعریف نمود:

هریک از فعالیت‌های ارتکاب یافته از قبیل قاچاق عمده ارز، ضرب سکه تقلبی، جعل اسکناس، گران‌فروشی، احتکار، فعالیت‌های غیرمولد هرمی، جذب وجوه کلان از اشخاص به صورت سپرده که منجر به حیف‌ومیل سپرده‌ها یا نابسامانی در نظام اقتصادی کشور شود، فعالیت‌هایی که ایجاد انحصار یا کمبود یا نابسامانی در نظام عرضه کالاهای مورد نیاز عمومی نماید، فعالیت‌های مخل نظام تولیدی کشور، ایجاد نابسامانی در نظام صادراتی کشور به صورت باندی و تشکیلاتی، اقدام برای خارج کردن میراث‌فرهنگی و ثروت‌های ملی از کشور و هر فعالیتی که منجر به ایجاد نابسامانی عمده در رویه‌های اقتصادی، مالی، ارزی، تولیدی و صادراتی کشور گردد و ثروت‌های ملی را در معرض خروج از کشور یا نابودی قرار دهد. (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲: ۹۲)

لذا با توجه به این تعریف باید گفت برای تحقق جرایم اقتصادی چهار عامل لازم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵: ۳۴) سلامت ساختارها و میناهای اقتصادی، عاری بودن از خشونت، فرصت‌طلبی مجرمانه و اهداف بلندپروازانه در جهت کسب سود هنگفت. بدیهی است که در این قانون نظام سیاسی مدنظر نبوده و در اصل ماهیت جرم نقشی ندارد، بلکه منظور نظام اقتصادی است؛ یعنی نظام اقتصادی که مجموعه نظام پولی، ارزی، تولیدی و... زیرمجموعه‌های آن هستند.

۳. تبدیل ماهیت در حدود و تعزیرات

در منابع شرعی به مواردی از تبدیل ماهیت در هریک از حد و تعزیر با وجود فرق اساسی و ماهوی بین این دو نهاد حقوق کیفری اسلام مواجه می‌شویم، این موارد در دو فرض قابل بحث است:

۳.۱. تبدیل حد به تعزیر

در روایات و کلام فقها به مواردی برمی‌خوریم که اگرچه مجازات اصلی یک جرم، مجازات حدی است، اما به مناسبت شرایطی، مجازات حدی تبدیل به تعزیری می‌شود. برخی از موارد تبدیل حد به تعزیر مضبوط در متون فقهی و روایی به قرار ذیل است:



۱. بر اساس دو صحیحیه ابن سنان و ابی ولاد از امام صادق علیه السلام (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸: ۱۸) هرگاه دو نفر همدیگر را قذف کنند فقهای شیعه به اتفاق معتقدند که به جای اجرای حدّ قذف که هشتاد تازیانه است آن دو تعزیر می‌شوند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۸۷۷؛ نجفی، بی‌تا، ج ۴۱: ۴۳۱)

۲. مستند به روایتی از امام باقر علیه السلام (حر عاملی، همان) در حالتی که پدر فرزند خود را قذف کند بر پدر حدّ قذف جاری نمی‌شود، بلکه تعزیر می‌شود (امام خمینی، همان: ۸۷۶) ۳. در فرضی که مقذوف شرایط احسان را نداشته باشد مثل اینکه مجنون باشد، حد قذف بر قاذف جاری نشده و صرفاً به تعزیر محکوم می‌شود. (همان)

۳. ۲. تبدیل تعزیر به حد و حد به حدی دیگر

تکرار جرم حدی، موجب تغییر مجازات حدی شده و به نوعی تشدید می‌شود؛ مثلاً هرگاه کسی کراراً دیگری را قذف کرده باشد و هر بار نیز حد قذف جاری شده باشد، اگر برای بار چهارم مرتکب قذف گردد کشته می‌شود (امام خمینی، همان: ۸۷۷) یا کسی که بارها اقدام به شرب خمر کرده و هر بار حد شرب خمر نیز جاری شود، در شرب خمر سوم یا چهارم فقها قائل به قتل او شده‌اند (همان: ۸۸۰) نیز حد سارق در مرحله اول قطع چهار انگشت می‌باشد و در مرحله دوم قطع پای چپ و در مرحله سوم حبس ابد و اگر سارق برای بار چهارم اقدام به سرقت کند حکم او قتل است. (همان: ۸۸۷)

همچنین تکرار جرم تعزیری نیز موجب تشدید مجازات شده و گاهی تعزیر به حد تغییر ماهیت می‌دهد. مثلاً اگر دو نفر برهنه در زیر یک پوشش بخوابند از ۳۰ تا ۹۰ ضربه شلاق می‌خورند و اگر این عمل تکرار شود و هر بار تعزیر شده باشند در نوبت سوم حد بر آنها جاری می‌شود. (حلی (محقق)، بی‌تا، ج ۴: ۲۶۰؛ ابن ادریس، بی‌تا، ج ۳: ۴۶۶؛ امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۸۷۴)

در روایت ابی خدیجه از امام صادق علیه السلام آمده است: نباید دو زن زیر یک پوشش به‌صورت برهنه بخوابند. چنانچه بعد از نهی، تکرار نمودند، تعزیر می‌شوند و اگر برای بار سوم تکرار نمودند حد (صد ضربه شلاق) بر آنها جاری می‌گردد. (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸: ۱۰)^۱

۱. فان وجدهما بعد النهی فی لحاف واحد جلدتا کل واحدۃ منهما حدّاً فان وجدتا الثالثه فی لحاف حدّاً.



اگر شخصی که تعزیر شده برای بار دوم و سوم همان گناه (کبیره) را انجام دهد از او خواسته می‌شود که توبه کند و اگر باز بر انجام گناه اصرار ورزید در نوبت چهارم کشته می‌شود. (حلی، ۱۴۰۳ق: ۴۲۰)

بنابراین در فرض تکرار جرایم تعزیری همانند جرایم حدی مجازات تشدید و تبدیل شده، مجازات حدی بر مرتکب بار می‌شود و ماهیت جرم تغییر کرده و از جرم تعزیری به جرم حدی تبدیل می‌گردد. مثلاً اگر کسی چند بار استمنا کند یا با حیوانی نزدیکی کند و هر بار نیز تعزیر شود در مرتبه سوم یا چهارم کشته می‌شود. (مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۲۳: ۷۷)

۴. اصل اولیه در جرایم به لحاظ حدی یا تعزیری بودن

برای بررسی یک جرم از جهت حدی یا تعزیری بودن باید مقتضای قاعده و اصل مشخص شود تا در صورتی که دلیلی بر تعیین یکی از آن‌ها یافت نشد به آن اصل رجوع و استناد نمود.

بر اساس ادله فقهی در صورت تردید، اصل با تعزیری بودن است؛ اولاً به دلیل اینکه کیفر حدی به معنای مصطلح فقهی آن دارای احکام خاصی از قبیل جزمیت و عدم تعطیلی در اجرا و... است که آن را از عمومیت خارج کرده و وضعیتی ویژه به آن می‌بخشد که به مقتضای این ویژگی و بر اساس اصله العدم، بر امری که در حد بودن آن تردید باشد، این احکام جاری نمی‌شود. یکی از این احکام این است که اگر کسی سه بار مرتکب جرم مستوجب حد شود و هر بار حد بر وی اجرا گردد، در صورت تکرار مجدد محکوم به قتل خواهد شد.

طبق برخی نظرات در خصوص شرب مسکرات مستند به روایتی پس از ارتکاب دو بار و اجرای حد برای بار سوم مجازات وی قتل خواهد بود. (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱: ۴۶۰) آنچه با احتیاط تناسب بیشتری دارد تخصیص این حکم به حدود است، زیرا در روایتی که امام معصوم علیه السلام می‌فرماید: «مرتکبان گناه کبیره، هرگاه دو بار حد بر آنان جاری شود، در مرتبه سوم کشته می‌شوند» (همان، ج ۱۸: ۳۸۸) موضوع حکم را گناه کبیره دانسته است، در حالی که مجازات تعزیری غالباً دائر مدار مصالح و مفاسد است، حتی اگر عمل ارتكابی شرعاً گناه و جرم نباشد.

یکی دیگر از احکام اختصاصی حدود که موید تأسیس اصله التعزیر است، عدم کفالت و شفاعت و عدم تأخیر در حدود است. (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸: ۳۹۴)

ثانیاً در دوران معصومین کلمه حد به معنای اصطلاحی استعمال نشده است، بلکه مراد از حد در روایات مطلق مجازات است. در قرآن نیز که این کلمه به صورت جمع مکسر ۱۴ بار ذکر شده است به معنای رایج مورد نظر فقها نیست، بنابراین معنای فقهی حد حقیقت متشرعیه است نه حقیقت شرعیه و این واژه نه تعیناً و نه تعیناً برای حد اصطلاحی وضع نشده است. طبق نظر اصولیون در این فرض که در نگاه شارع یک کلمه برای معنایی وضع نشده است به معنای لغوی آن حمل می‌شود. (آخوند خراسانی، ۱۴۳۷ق، ج ۱: ۳۶)

ثالثاً اینکه مقتضای قاعده عرفی «حمل بر اعم اغلب» مشیر به اصل بودن تعزیرات است. با توجه به غلبه و کثرت بی‌شمار تعزیرات و معدود بودن حدود به تعداد انگشت‌شمار مقتضای اصل در فرض شک و تردید، تعزیری بودن جرایم است، زیرا اگر از مورد نادر یعنی حدی بودن محسوب شود، این حمل بلاوجه خواهد بود.

در نهایت اینکه مقتضای قاعده مناسبت حکم و موضوع تعزیری بودن مجازات‌هاست، زیرا این مناسبت از جهت معیارهای تعیین مجازات از قبیل توجه به خصوصیات مرتکب و جرم در مجازات تعزیری ملاحظه می‌شود، در حالی که در حدود، مجازات برای مرتکبان، صرف‌نظر از ویژگی‌های مزبور تعیین و اعمال می‌گردد.

۵. سیاست جنایی قانونگذار در مورد اخلاص در نظام اقتصادی

قانونگذار جمهوری اسلامس ایران با تصویب قانونی با عنوان «قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور» در آذرماه سال ۱۳۶۹ جرایمی را که موجب اخلاص در نظام اقتصادی می‌باشند در دو ماده احصا نموده است.

به هر حال، با توجه به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ارتکاب این جرایم که منجر به اخلاص در نظام اقتصادی کشور شود به گونه‌ای که رفتار مرتکب سبب اختلال شدید در نظم عمومی جامعه و ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی شود، وی، مفسد فی‌الارض محسوب می‌شود.

یکی از مؤلفه‌های مهم در تحقق جرایم اقتصادی عنصر ضرر و زیان است. ارتکاب این جرم منوط به تحقق این شرط خواهد بود که این ضرر و زیان گاهی بلافاصله و بالفعل است مثل ضررهای ناشی از گران‌فروشی، احتکار، ربا، قاچاق کالا، استفاده از اسناد و نوشته‌های مجعول، و گاهی با فاصله و بالقوه است، مثل جعل اسکناس یا سکه یا اسناد.



البته عنصر ضرر و زیان در همه جرایم چه مالی و چه اقتصادی و چه سایر جرایم وجود دارد و اساساً یکی از مبانی این است که جرم‌انگاری دایر مدار ضرر و زیان است؛ اما علت تأکید بر این مطلب در جرایم اقتصادی تأثیر این جرایم به صورت گسترده بر نظم اجتماعی جامعه است و پیامدهای آن در جامعه از ضررهای جرایم دیگر بیشتر و بدیهی‌تر است و بعضاً دایره شمول آن وسیع‌تر است و کل جامعه را در برمی‌گیرد. بنابراین جرم‌انگاری در این‌گونه اعمال صرفاً جهت جلوگیری از ضررهای ناشی از آن است، چنانچه این اعمال دربردارنده ضرری نباشد نمی‌تواند در جرگه این جرایم محسوب شود. (دانشور ثانی، ۱۳۸۲: ۲۸)

۶. حدی یا تعزیری بودن جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور

یکی از مباحث مهم در مورد جرایم مرتبط با اخلال در نظام اقتصادی کشور، تشخیص ماهیت این جرایم است. قانونگذار، در شرایطی خاص، این نوع از جرایم را مصداق افساد فی الارض دانسته و مرتکب را مستحق اعدام می‌داند.

برابر سیاست جنایی ایران، مبتنی بر وجود سوءنیت و انگیزه خاص مجرمانه، علی‌الاصول تغییر در ماهیت اتفاق افتاده است. ارتکاب یکی از جرایم اخلال در نظام اقتصادی کشور با داشتن قصد ضربه زدن یا تقابل با نظام جمهوری اسلامی ایران و یا نظام اقتصادی کشور به‌مثابه یکی از مصادیق افساد فی الارض جرم‌انگاری گردیده است. اصولاً تفاوت این دو بخش از نگاه سیاست جنایی تقنینی ایران در عنصر معنوی و انگیزه ارتکاب جرم است (سمیعی زوز، ۱۳۹۵: ۳۶)، بدین بیان که این دو جرم از حیث عنصر مادی کاملاً شبیه هم هستند، با این تفاوت که یکی به دلیل وجود قصد خاص مجرمانه «برهم زدن امنیت اقتصادی کشور»، می‌تواند مصداق عنوان افساد فی الارض و دارای مجازات شدید به‌مثابه یک جرم حدی باشد و دیگری به دلیل عدم وجود این قصد خاص، یک جرم تعزیری با ضمانت اجرای معمولی قلمداد می‌شود.

همچنین ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یکی از مصادیق جرم افساد فی الارض را اخلال در نظام اقتصادی کشور بیان می‌دارد و در تبصره ماده، وجود این قصد خاص و اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده برای اثبات افساد فی الارض شرط شده است.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مواد ۱۹۰ و ۱۹۵ در مقام بیان حد، بین محاربه و افساد فی الارض تفاوتی قائل نبوده است، ولی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار به صراحت مفهوم محاربه و مصادیق آن را در فصل هشتم تعریف کرده و بلافاصله در ماده ۲۸۳ این قانون، انتخاب هر یک از مجازات‌های چهارگانه را در اختیار قاضی قرار می‌دهد. این در حالی است که افساد فی الارض، به طور مستقل، در فصل نهم و در ماده ۲۸۶ تعریف شده و مجازات آن مشخصاً اعدام است. بنابراین، فارغ از مشابهت در ماهیت حدی دو جرم محاربه و افساد فی الارض، آنچه که هم‌اکنون بر اساس قانون مجازات اسلامی محل هیچ‌گونه مناقشه‌ای نیست، متفاوت بودن مجازات‌های این دو جرم است، لذا «باتوجه به تعریف صریح ارائه شده از دو عنوان مجرمانه محاربه و افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، تمام جرایم اقتصادی موردنظر قانونگذار در صورت احراز دیگر شرایط قانونی، فقط می‌توانند مصداق افساد فی الارض باشند و امکان تطبیق جرایم اقتصادی با تعریف ارائه شده از محاربه وجود ندارد.» (مجاهد، ۱۳۹۵: ۳۰)

بر اساس مبانی متقن شرعی، حدود شرعی و نوع جرم و مجازات و شرایط هر یک به تفصیل بیان شده است (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲: ۲۵۴)، به گونه‌ای که با تحقق هر یک از شرایط مقرر، مجازات حدی آن‌ها اجرا شده، در غیر این صورت، مجازات مقرر احیاناً به تعزیر مبدل می‌شود؛ مانند سرقت که تحت شرایط خاصی مرتکب آن مستوجب «قطع ید» قرار می‌گیرد.

در این حدود فقط تشخیص موضوع جرم با حاکم است و انتخاب نوع مجازات در اختیار قاضی نیست، بلکه بر اساس شرایط معهود شرعی تعیین و اجرا می‌گردد، اما در تعزیرات، نه موضوع مشخص است و نه نوع مجازات و صرفاً به طور کلی انواع اعمال حرام، تعیین شده است، لذا تعیین موضوع فعل حرام و نوع و مقدار مجازات بر اساس نظر حاکم و قاضی تعیین می‌شود.

در عین حال و با توجه به اصل اولیه در حدود و تعزیرات که تعزیری بودن همه شقوق قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور را توجیه می‌نماید، می‌توان گفت فرض

۱. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هرکس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلاص در نظام اقتصادی کشور و ... گردد مفسد فی الارض محسوب شده و به اعدام محکوم می‌شود».



حدی بودن برخی از مصادیق مطرح در این قانون نیز قابل تصور است، بنابراین، برخی از مصادیق قانون مجازات اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور می‌تواند ذیل عنوان افساد فی‌الارض، یک جرم حدی باشد. در این نوشتار ضمن بررسی هر دو فرضیه در انتها دلایل ترجیح یکی از آن‌ها بیان خواهد شد.

۶. ۱. نظریه ماهیت دوگانه اخلاط‌گران در نظام اقتصادی و ادله آن

بر اساس یک برداشت و تفسیر از جرایم موضوع قانون مبارزه با اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور، با توجه به ویژگی خاص پیش‌بینی‌شده در قانون مزبور یعنی عمده بودن ارتکاب آن‌ها و قصد خاص ضربه زدن یا مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران، در یک حالت که ناشی از این خصیصه است، از مصادیق افساد فی‌الارض و از جمله جرایم مستلزم حد به شمار آمده و در حالتی دیگر که فاقد این ویژگی است یک جرم تعزیری ساده تلقی گردیده است.

ابتدا باید جرم افساد فی‌الارض از جهت حدی یا تعزیری و نوع حد آن، گونه‌شناسی شود. در خصوص عمل افساد فی‌الارض در کلام فقها اختلاف و تشتت وجود دارد؛ با مطالعه دیدگاه فقها به دو دیدگاه عمده می‌توان دست‌یافت؛ یک نظر که شهرت بیشتری دارد این است که جرم حدی افساد فی‌الارض همگن با محاربه و حالتی دیگر از محاربه و دقیقاً مجازات محارب را که تخیر در مجازات‌های چهارگانه است، دارد. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۵۰۴) برابر این دیدگاه برای جرم افساد فی‌الارض جایگاهی مجزای از محاربه نمی‌توان در نظر گرفت و در حقیقت، افساد فی‌الارض روی دیگر محاربه است. از دیدگاه دیگر، افساد فی‌الارض عنوانی مستقل از محاربه و مجازاتی علی‌حده دارد. مبنای این نظر آیه ۳۲ سوره مائده^۱ و روایاتی که در خصوص اعمالی مثل اعتیاد به قتل بردگان (حلبی، ۱۴۰۳ق: ۳۸۲) یا کفار ذمی (حلی، ۱۴۲۴ق، ج ۹: ۳۲۱) و یا نبش قبر و کفن دزدی و امثال آن‌ها می‌باشد.

بر اساس مفهوم ظاهری و برداشت مشهور از آیات شریفه قرآنی^۲ «افساد فی‌الارض» به معنی سعی و تلاش مستمر برای ایجاد فساد در منطقه‌ای از زمین است و چون جرایم

۱. «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثُرُوا مِنْهُمْ بَغْدًا ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ». (مائده: ۳۲)

۲. مائده: ۳۲ و ۳۳.



موضوع قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور، باعث اخلاص در نظام اقتصادی و نظم عمومی به صورت گسترده می‌شوند، می‌توانند مصداق افساد فی الارض تلقی شوند. «مفسد فی الارض» کسی است که منشأ فساد گسترده در محیط شود هرچند بدون توسل به اسلحه باشد؛ مانند کسانی که مراکز فحشا را به طور گسترده ایجاد می‌کنند. بر اساس مبانی فقهی، «افساد فی الارض» عبارت است از هر عملی که آثار تخریبی گسترده‌ای به وجود آورد و یا به بیان دیگر، هر عملی که موجب بروز فساد گسترده‌ای گردد مانند قاچاق ارز به صورت گسترده و وسیع.

بررسی نظام جزایی اسلام و مصادیق و شرایط حدود و تعزیرات حاکی از این است که اولاً دلیل وضع حدود برای جلوگیری از اختلاص نظام و شیوع فساد در اجتماع است و یکی از این حدود، افساد فی الارض است که مربوط به اعمالی است که تأثیر بیشتری در اختلاص نظام و شیوع فساد دارند.

ثانیاً، تنوع و گستردگی جرایم، نوظهور بودن برخی از آنها و تأثیر آنها در شیوع فساد و اختلاص نظام، از پدیده‌های مهم و قابل توجه است. مفسده برخی از جرایمی که ممکن است به صورت خاص حرمت شرعی نداشته و یا حداقل عنوان مشخص شرعی نداشته باشند، مثل تشکیل باندهای فساد و تبهکاری و یا اخلاص در نظام توزیع کالا و ارز و... می‌تواند به مراتب بیشتر از جرایم حدی مثل زنا و لواط باشند، لذا باید عنوان عامی مانند افساد فی الارض در شرع جعل شده باشد که بتوان در چنین مواردی، حد افساد فی الارض درباره مرتکبین را به اجرا در آورد و از سویی این موارد را نمی‌توان از قبیل تعزیر به حساب آورده و بگوییم مجازات آن کمتر از حد است.

بنابراین قانونگذار در ماده ۲ قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور و ماده ۲۸۶ ق.م.ا.مستند به نظریه مشهور فقها، نظر به حدی بودن جرایم موضوع قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور دارد و افساد فی الارض را نسبت به محاربه یک جرم حدی مستقل محسوب نموده و مجازات اعدام برای آن در نظر گرفته است. البته جرایم موضوع قانون مزبور به افساد فی الارض در یک صورت که قصد مرتکب ضربه یا مقابله با نظام سیاسی کشور باشد، احاله شده است. قانونگذار در غیر این صورت، جرم را حدی نمی‌داند و با فرق نهادن بین ارتکاب عمده و غیر عمده، یک جرم تعزیری ساده محسوب نموده است.



۲.۶. نظریه تعزیری بودن اخلال در نظام اقتصادی و ادله آن

یکی از مبانی تحمیل مجازات تعزیری بر مجرمین، تعیین تعزیر برای مطلق محرمان است. (مروراید، ۱۴۱۰ق، ج ۲۳: ۱۲۵) در هر فعل حرامی که در شریعت برای آن مجازات تعیین نشده باشد، حاکم شرع حق دارد مرتکب را مجازات نماید. همچنین هر عمل فسادانگیزی که موضوع آن در شرع نیامده است می‌تواند زمینه تحمیل مجازات تعزیری باشد. حال سؤال این است که گستره صلاحیت حاکم شرع تا کجاست و «التعزیر بما یراه الحاکم»^۱ تا کجا کاربرد دارد؟ در دیدگاه فقهای امامیه، برابر قاعده اصطیادی^۲ «التعزیر دون الحد»، تعزیر پایین‌تر از حد است و حاکم شرع علاوه بر صلاحیت تعیین نوع و میزان مجازات، صلاحیت اجرای مجازات، تعلیق مجازات، تخفیف و تشدید مجازات و عفو مجرم را نیز داراست.

برابر برخی نظرات فقهی و بر اساس مبانی و مستندات شرعی در تعزیرات شرعی حتی از نوع منصوص آن‌ها مجازات اعدام، وجود ندارد، زیرا اعدام با قاعده «التعزیر دون الحد» و اهداف مجازات‌ها منافات دارد. هدف از تعزیر، معدوم‌سازی مجرم نیست، بلکه هدف تنبیه، تعذیب و در نهایت اصلاح مجرم است. یکی از فقهای معاصر در پاسخ به این سؤال که آیا در مجازات تعزیری می‌توان تا حد اعدام پیش رفت و فرد را به‌عنوان تعزیر، اعدام نمود، پاسخ می‌دهد: در مجازات تعزیری، اعدام نیست و اعدام در قصاص و بعضی از حدود است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۱۶۳)

اما از نگاهی دیگر می‌توان ماهیت جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور را از نوع تعزیر حکومتی از جهت نقض مقررات مصوب حاکمیت به حساب آورد. در این نوع تعزیرات، حاکم شرع، مبسوط‌الید بوده و قید التعزیر دون الحد را نیز ندارد و می‌تواند برای رفع فتنه و از بین بردن ریشه فساد، عملی را جرم‌انگاری و برای آن، مجازات اعدام در نظر بگیرد. این دیدگاه مورد تأیید قرآن (بقره: ۱۹۱ و ۱۹۳)، سنت و عقل است.

۱. این قاعده عیناً در روایات نیامده است، اما در کتب فقهی به استنباط از روایات چنین قاعده‌ای مطرح شده است. (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲: ۱۶۹؛ مفید، بی‌تا: ۷۶۶)

۲. قاعده اصطیادی در مقابل قاعده منصوصه، قاعده‌ای است که عین عبارات و واژگان آن در متون روایی نیامده است، بلکه فقها آن‌ها را از مجموعه‌هایی از روایات و یا احکام برگرفته‌اند. (سبزواری، ۱۴۳۵ق: ۳۲)

برخی رفتارها که ممکن است بر اساس مبانی شرعی گناه و حرام محسوب نشود، اما به‌گونه‌ای است که در بسیاری موارد، جرم چنان شدید است که انتظام جامعه اسلامی را مختل می‌کند، مثلاً از دیدگاه مشهور فقها احتکار حرام منحصر به مواردی از قبیل خرما، کشمش، گندم، جو و روغن است. (نجفی، بی تا، ج ۲۲: ۴۸۱) مفهوم این دیدگاه این است که احتکار در مثل داروهایی که جنبه حیاتی داشته و احتکار آن ممکن است جان انسان‌های زیادی را به خطر بیندازد حرام نبوده و مجازاتی هم نداشته باشد.

در نتیجه باید گفت حاکم اسلامی می‌تواند به منظور مبارزه با اخلال و حفظ نظم و انضباط در کشور با وضع قوانین دقیق برای چنین اعمالی که ضربات سهمگینی به امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور وارد می‌سازند، مجازات‌های شدیدی نظیر حبس ابد یا اعدام وضع کند. (شمس ناتری، ۱۳۷۸ ف ج ۱: ۱۷۱) چه طور می‌توان پذیرفت که اگر کسی مبالغی هنگفتی از بیت‌المال اختلاس نماید یا مرتکب جرم ارزی یا پول‌شویی شده و امنیت اقتصادی کشور را زیر سؤال برده است و یا در توزیع مواد مخدر دخالت داشته است فقط به این دلیل که عمل او منطبق بر هیچ‌کدام از حدود شرعی نیست، مجازات او کمتر از حد باشد؟!

بر اساس اصول مسلمی که مبانی تأسیس حکومت اسلامی هستند ایجاد حکومت، بر عهده قاطبه فقها واجب کفایی است و اگر یکی از آن‌ها موفق به تشکیل آن گردید، بر سایرین واجب است از وی پیروی نمایند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۲۴) ^۱ محافظت از نظام حاکم بر جامعه، بستن مرزها، حفظ جوانان از کژروی و انحراف و امثال آن از بدیهی‌ترین امور حسبیه است که برعهده حاکم اسلامی است. (همان: ۶۲۵) ^۲ بر این اساس که اصل نظام باید محافظت شود، پس باید همه مقدمات آن از جمله، جلوگیری از اختلال در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی مورد توجه ویژه قرار گیرد و برای اجرای آن قوانین و ضمانت اجراهای لازم پیش‌بینی شود. بدیهی است که ممکن است با مراجعه به جرایم تعزیری شرعی هدف مزبور تأمین نشود، لذا حاکم اسلامی باید با وضع قوانین بایسته و مناسب، به مبارزه با مفساد مذکور برود که

۱. فاقامة الحكومة و تشکیل اساس الدولة الاسلامیة، من قبیل الواجب الکفای علی الفقهاء العدول فان وفق

أحدهم لتشکیل الحكومة یجب علی غیره الاتباع وان لم یتیسر إلا باجتماعهم، یجب علیهم القيام مجتمعین.

۲. إن حفظ النظام و سد الثغور المسلمین و حفظ شباههم من الانحراف عن الاسلام و منع التبلیغ المضاد

للإسلام و نحوها من اوضاع الحسیات.

ممکن است بعضاً به مجازاتی فراتر و شدیدتر از تعزیراتی که معیار آن کمتر بودن از حد است، نیاز باشد حتی مجازات اعدام در این فرض مشروع و مجاز خواهد شد و این از باب تعزیرات مربوط به نقض مقررات حکومتی است. (شمس ناتری، ۱۳۷۸، ج ۱ ک ۱۷۳-۱۷۴)

بنابراین بر اساس نظر مسلم فقهی، ارتکاب معصیتی که برای آن حد تعیین نشده، مستوجب تعزیر است، لیکن در جامعه اسلامی غیر از موارد حدود و تعزیرات و ذنوب مرتبط با آن‌ها اموری از قبیل مصالح عمومی و انتظام ابعاد مختلف زندگی مردم و جلوگیری از مفسدات اجتماعی و اقتصادی نیز باید مطرح نظر حاکم اسلامی قرار گیرد. بدیهی است که برای نیل به این اهداف باید حاکم جامعه، مسئله مجازات را فراتر از گناهان و معاصی معهود شرعی مشمول عقوبت‌های قصاص، دیه، حد و تعزیر ببیند و نسبت به همه اموری که موجب اختلال در انتظام جامعه می‌شود تصمیم لازم را اتخاذ نماید و هرچه را به صلاح جامعه و نظام سیاسی حاکم بر آن می‌داند در چهارچوب قوانین کلی اسلام، مورد اجرا گذارد و برای جلوگیری از فساد و انحراف در جامعه مقررات لازم را وضع کند. (منتظری، ۱۳۷۱، ج ۳: ۴۷۱)

این معنی قابل قبول همه فقهاست؛ حتی فقیهانی که نسبت به حدود و تعزیرات نظرات سخت‌گیرانه‌ای دارند و تعزیرات را منحصر در تعزیرات منصوص می‌دانند، نسبت به جواز تعزیر در امور مرتبط با نظم عمومی جامعه و جلوگیری از فساد موافقت دارند. (صافی، ۱۴۰۴ق: ۱۳۹) چنان که برخی فقهای معاصر می‌گویند با توجه به قاعده اصطیادی «حفظ نظام» که اعم از نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، حکومت اسلامی می‌تواند هر قانونی که مطابق با مصلحت نظام است وضع و ناقضان آن را تعزیر کند. (خویی، بی‌تا، ج ۱: ۳۳۷-۳۴۷)

نکته قابل ذکر این است که مجازات‌هایی که حکومت اسلامی برای حفظ نظم و مصلحت عمومی و جلوگیری از فساد وضع می‌کند از نوع عقوبت تعزیری نیست، زیرا تعزیر، عقوبت مخالفت با احکام شرعی است، درحالی که مجازاتی که برای حفظ مصلحت عمومی مثل الزام به ثبت واقعه ازدواج و جلوگیری از مفسدات در جامعه اسلامی مثل ممنوعیت رانندگی بدون گواهینامه وضع می‌شود، ارتباطی به ارتکاب معاصی ندارد. هرچند برخی فقها این مجازات را به دلیل داشتن معیارهای مجازات تعزیری که تأدیب

و تنبیه است، تعزیر می‌نامند، و قائل‌اند در تعزیرات فرقی بین مخالفت با اوامر شارع و حاکم نیست. (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۳ق: ۵۹)

امام خمینی علیه السلام در این خصوص نظر ویژه‌ای دارند و عقوبت مخالفت با فرمان‌ها و دستورات حکومتی و یا به عبارتی احکام سلطانیه را در زمره احکام اولیه می‌دانست و مجازات بازدارنده می‌نامید. ایشان در پاسخ استفتایی فرموده‌اند:

احکام سلطانیه که خارج است از تعزیرات شرعیه، در حکم اولی است، متخلفین را به مجازات بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او می‌توانند مجازات کنند. (امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۶۷-۱۷۲)

نتیجه مطالب پیش گفته که به نوعی نوآوری این مقاله محسوب می‌شود، این است که نظریه تعزیری بودن مجازات جرم اخلاص در نظام اقتصادی چنانچه در حد افساد فی الارض باشد مبتنی بر مبانی متقن و مورد قبول است. این مجازات تعزیری می‌تواند اعدام باشد، زیرا حاکم جامعه اسلامی در تعیین مجازات اعدام مختار است و برای حفظ انتظام جامعه و مصالح عمومی گاهی چاره‌ای جز واکنش شدید تعزیری وجود ندارد.

از سوی دیگر از مطالعه سیر قانونگذاری این جرم در جمهوری اسلامی ایران متوجه این حقیقت می‌شویم که قانونگذار تا قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ افساد فی الارض را به صورت مستقل از محاربه که مجازات اعدام برای آن پیش‌بینی کرده باشد ذکر نکرده بود، در حالی که در جای‌جای قوانین جزایی دیگر بدون تعیین حدی یا تعزیری بودن آن در تعیین مجازات برخی از جرایم، به افساد فی الارض احاله کرده و مجازات اعدام را وعده داده بود. این احاله نمی‌تواند با توجه به جرمی باشد که در پی محاربه و مقارن آن در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ ذکر شده است،

۱. قوانینی که به استناد افساد فی الارض مجازات اعدام را مقرر کرده است عبارت‌اند از:

- قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹؛

- قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷؛

- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند؛

- قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح؛

- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷؛

- قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و... مصوب ۱۳۶۹؛

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مواد ۴۹۸، ۵۰۴، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۲۶، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۸۳،

تبصره م ۶۷۵ و تبصره ۱ ماده ۶۸۷.



زیرا مجازات افساد فی الارض موضوع ماده مزبور اعدام نیست، بلکه یکی از شقوق چهارگانه قتل، آویختن به دار، اول قطع دست راست و سپس پای چپ و نفی بلد است. وانگهی چگونه می تواند مراد قانونگذار جرم موضوع ماده ۱۸۳ باشد درحالی که در هیچ موردی از قوانین احاله‌ای تصریح به ماده مزبور نکرده که بماند، حتی اشاره هم ننموده است.

در نتیجه باید اذعان کرد که قانونگذار، افساد فی الارض را به عنوان یک جرم مستقل از محاربه در نظر گرفته و به واقع بر اساس برخی نظرات فقها اعم از محاربه تلقی کرده است، حال اگر استقلال آن را از محاربه بپذیریم، پذیرش تعزیری بودن افساد فی الارض سهل تر خواهد بود.

این نحوه برخورد قانونگذار تداعی این مطلب است که قانونگذار تا قبل از سال ۹۲ اعتقادی به حدی بودن افساد فی الارض نداشته است. بنابراین نگاه عمده قانونگذار این بوده است که حکومت اسلامی این حق را دارد که برای مبارزه و مقابله با برخی جرایمی که مصالح حاکمیت و مردم را مورد خدشه قرار می دهند مجازات تعزیری تا حد اعدام تعیین و اجرا نماید. قرینه دیگر بر این دیدگاه این است که اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۲۳۹۸ مورخه ۹۰/۵/۱۲ مقرر می دارد: «مجازات‌های مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام تعزیری است».

۷. پیامدهای حد یا تعزیر شمردن جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور

۱. در فرض حدی بودن این جرم، برای قاضی و حاکم، حق بخشش و عفو آن وجود نخواهد داشت، ولی در صورت تعزیر بودن آن، وی می تواند از اجرای حکم صرف نظر نماید؛
۲. در صورت حدی بودن حق کم یا زیاد نمودن مجازات این جرم وجود ندارد، اما اگر آن را جرمی تعزیری بشماریم، تشخیص مصلحت با حاکم و قاضی می باشد؛
۳. جرم اخلال در نظام اقتصادی، در صورت تعزیری بودن، با یک شاهد قابل اثبات است، ولی جرایم حدی در برخی موارد با چهار شاهد و در برخی دیگر، حداقل دو شاهد جهت اثبات می طلبد؛

۴. اگر جرم مورد بحث را از مقوله حدود بشماریم، شفاعت در آن جایز نخواهد بود؛ نه حاکم مجاز است که شفاعت بپذیرد و نه برای شفیع جایز است که واسطه گردد اما در تعزیرات، شفاعت امری پذیرفته شده است. (امینی، ۱۳۸۸:

(۳۷)

البته در این مورد، برخی صاحب نظران قائل بر این باورند که روایات دال بر ناروا بودن شفاعت در حدود، به گواهی شواهد موجود در خود همان روایات و نیز با لحاظ مقصد و فلسفه تشریح آن‌ها به حدود اختصاص ندارند. نمی‌توان گفت که همه جرایم و مجازات‌های تعزیری از همه حدود کم اهمیت ترند و از طرفی تعزیرات هم گاهی از جنبه حق الهی برخوردارند. تأکید روایات نهی از شفاعت در حد را بر پرهیز از تبعیض‌های نابه‌جا در مقام اعمال کیفر می‌توان حمل نمود و لزوم مساوات در برابر قانون و رعایت عدالت کیفری، اختصاصی به حدود اصطلاحی ندارد و می‌توان آن را در مورد حدود هم جاری دانست. (ر.ک. نوبهار، ۱۳۹۳: ۱۲۵)

۵. کفالت در دعوی کیفری به معنای آن است که از محکوم یا متهم خواسته شود کسی را به عنوان کفیل به دادگاه معرفی کند تا حضور متهم یا محکوم بدین وسیله تضمین گردد. ظاهر بسیاری از فتاوی فقهی آن است که این حکم، از مختصات حدود است و کفالت در تعزیر بدون اشکال است. (موسوی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۹۹)

اگر چه برخی با این اطلاق این مطلب را قبول ندارند و بر این باورند که این حکم ممنوعیت، به حدود اصطلاحی اختصاص ندارد، چرا که گونه‌هایی از کفالت مثل کفالتی که اصل قطعیت اجرای کیفر را مخدوش کند یا مستلزم تأخیر ناموجه در اجرای حد گردد یا تعهدات غیر ضرور بر دوش متهم یا بزهکار نهد، در هیچ کدام از حد یا تعزیر پذیرفتنی نیست و از سوی دیگر، گاهی کسب برخی مصالح یا اجتناب از برخی مفاسد، کفالت در دعوی کیفری را چه در حد یا تعزیر، مجاز یا حتی ضروری می‌سازد (نوبهار، همان: ۱۴۳)

۶. یکی از تفاوت‌های حد و تعزیر را چنین بیان می‌نمایند که اگر نوع و اندازه مجازات جرمی در شرع تعیین شده باشد، از جرایم حدی است و اگر چنین نباشد و اندازه و نوعش به اختیار حاکم اسلام گذارده شده باشد از جرایم تعزیری خواهد بود. (حلی، ۱۴۰۸: ۴: ۱۳۶)





از سویی برخی بر این باورند که با تتبع در عبارات فقها می‌توان به این نتیجه رسید که قاعده تعیین شده کلیت نداشته و می‌توان گفت که فقها در جرایمی مانند مجامعت با همسر در روز ماه رمضان، مجامعت با زن حائض، به عقد درآوردن و آمیختن مردی که دارای زن آزاد است با کنیز قبل از گرفتن اذن از زن خود، ارتداد و افساد فی الارض، از جهت تعزیری یا حدی بودن آن با یکدیگر اختلاف دارند. همچنین با تمسک به عبارت «التعزیر دون الحد»، نمی‌توان گفت که هر تعزیری باید از هر حدی کمتر باشد، چرا که در عبارت مذکور نمی‌توان گفت که قطعاً کلمه «دون» به معنای «کمتر» است، بلکه غالباً این واژه به معنای غیر می‌باشد (راغب، ۱۴۱۲ق: ۳۲۴) و از طرف دیگر، آنچه مورد اتفاق است، دلالت جمع محلی به «ال» بر عموم بوده و دلالت مفرد محلی به «ال» اختلافی است. (احدی، ۱۳۹۴: ۲۷)

بنابراین حق بخشش و عفو، حق کم یا زیاد نمودن مجازات جرم مورد بحث، اثبات به واسطه یک شاهد، جواز شفاعت، امکان کفالت و همچنین معین نبودن نوع و اندازه جرم (بدون توجه به برخی اختلافات خصوصاً در دو مورد اخیر) را می‌توان از پیامدها و آثار قول به تعزیری بودن جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور دانست که در فرض حدی شمردن آن، این آثار بار نخواهند گردید.

نتیجه‌گیری

در خصوص ماهیت جرایم موضوع قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور دو احتمال و نظر وجود دارد؛ برابر یک نظر که به نظر می‌رسد مورد تأیید قانونگذار است این جرایم ماهیت دوگانه داشته و در شرایطی از تعزیری به حدی تغییر ماهیت می‌دهند و در نگاهی دیگر، در هر صورت این جرایم ماهیت واحد داشته و صرفاً از جرگه تعزیرات هستند.

هرکدام از این دو نظر نتایج و آثار متفاوتی در پی دارد؛ اگر قائل به حدی بودن باشیم، مجازات‌های حدی، قابل عفو، اسقاط، شفاعت، تعلیق و تخفیف نمی‌باشند. همچنین جرایم مستلزم مجازات حدی در عناوین مشخص و معین، محدود و محصور است مانند محاربه، سرقت، زنا و قذف (اگر چه در برخی از ویژگی‌های مذکور، عده‌ای نظر متفاوتی دارند).

اما در فرض اینکه در زمره جرایم مستلزم مجازات تعزیری باشد، با توجه به اینکه در ماده دوم قانون مزبور، برای آن‌ها مجازات اعدام پیش‌بینی شده است و با توجه به نظر



مشهور فقهای امامیه که در جرایم تعزیری در ارتکاب اول و بدون تکرار، قائل به مجازات اعدام نمی‌باشند، زیرا به باور آنان مجازات تعزیری نباید از مجازات حدی صد ضربه شلاق بیشتر باشد، باید به ماهیت دوگانه این جرایم قائل شد.

بر اساس ماده مزبور، چنانچه به قصد ضربه‌زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود. این نگاه قانونگذار، تبلور نظریه مشهور فقهاست.

اما در نگاهی دیگر، بر اساس نظری که در این نوشتار به اثبات آن پرداخته شد، با توجه به ادله تشکیل حکومت اسلامی و ضرورت حفظ نظم و نظام جامعه، می‌توان گفت حاکم شرع، می‌تواند قوانینی به‌عنوان تعزیرات حکومتی وضع نموده و در صورت اقتضای مصلحت، برای متجاوزان به آن قوانین مجازات اعدام را در نظر بگیرد.

در این صورت، مبنای جواز اعدام، مصلحت حفظ نظم عمومی است. براین اساس می‌توان مجازات‌های مقرر در همه قوانین بازدارنده از جمله قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور را از آنجا که نقض مقررات حاکمیت محسوب می‌شود، حتی در فرضی که مجازات سنگین اعدام برای آن در نظر گرفته شده باشد، از مقوله تعزیرات دانست.

بعضاً نمی‌توان جلوی اعمال مجرمانه‌ای را که ناقض امنیت و مخل انتظام جامعه بوده و پیامدهای سهمگینی را متوجه نظام کشور در زمینه‌های گوناگون می‌کند با مجازاتی کمتر از اعدام گرفت و یا مانع تکرار آن‌ها شد. وانگهی قانونگذار با اذعان تلویحی به این امر در مواردی که مجمع تشخیص مصلحت نظام قانونگذاری کرده است مثل قانون مزبور و قانون مبارزه با مواد مخدر مجازات اعدام را از باب افساد فی‌الارض تعیین کرده است. تعیین این عنوان و مجازات اعدام برای آن در حالی بوده است که در قانون مجازات اسلامی حاکم در زمان تصویب این قوانین که مادر همه قوانین جزایی است اشاره‌ای به افساد فی‌الارض با مجازات اعدام نشده است. بنابراین معلوم می‌شود که در ارتکاز ذهنی قانونگذار این عنوان متفاوت از عنوانی بوده است که مقارن با محاربه با مجازات تخییری چهارگانه ذکر شده است.



البته قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در یک تصمیم قابل درک، بهخلاف ماهیت و ویژگی جرایم تعزیری، در تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، به جهت وضعیت خطیر کشور در زمان تصویب این قانون و ملاحظات خاص و شرایط ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوره سازندگی در کشور، هرگونه تعلیق و تخفیف را از مجازات این جرایم برداشته است.

منابع و مأخذ:

- ابراهیمی، شهرام و مجید صادق نژاد نائینی (۱۳۹۲)، «تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، س ۲، ش ۵.
- ابن ادریس، ابی جعفر محمد بن منصور (بی تا)، *السرائر*، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- احدی، سیف الله (۱۳۹۴)، «کاووشی در موارد اختلافی حد و تعزیر»، مطالعات اسلامی فقه و اصول، س ۴۷، ش ۱۰۲.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: میزان.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹)، *تحریر الوسیله*، تهران: نشر عروج.
- امینی، جهاندار (۱۳۸۸)، «مجازات ارتداد؛ حد یا تعزیر»، فروغ وحدت، ش ۱۵.
- چگینی، مهدی و کرمانشاهی (۱۳۹۸)، «سعید، تأملی بر رویکرد مقنن نسبت به اخلال در نظام اقتصادی کشور و تقابل آن با حقوق اساسی شهروندان»، پژوهشنامه حقوق بشری، ش ۱۵.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۲ق)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱. تبصره ۵: هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تعلیل نمی‌باشد.



- حلبی، ابوالصلاح تقی الدین (۱۴۰۳ق)، *الکافی فی الفقه*، به تحقیق رضا استادی، اصفهان: کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علیه السلام.
- حلبی (علامه)، یوسف بن الحسن (۱۴۲۴ق)، *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*، ج ۹، ۲، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- حلبی (محقق)، جعفر بن حسن (بی تا)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، نجف: مطبعه الآداب فی النجف الاشرف.
- خراسانی (آخوند)، محمدکاظم (۱۴۳۷ق)، *کفایة الاصول*، ج ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- خوئی، ابوالقاسم (بی تا)، *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۱، نجف اشرف: مطبعة الآداب، بی تا.
- دانشور ثانی، رضا (۱۳۸۲)، *جرایم اقتصادی*، پایان نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- سبزواری، شیخ عباس علی (۱۴۳۵ق)، *قواعد الفقهیه فی فقه الامامیه*، ج ۱، ۲، تهران: مؤسسه نشر اسلامی.
- سمیعی زنوز، حسین (۱۳۹۵)، «*اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق کیفری ایران*»، آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۱.
- شمس ناتری (۱۳۷۸)، *بررسی تطبیقی مجازات اعدام*، قم: بوستان کتاب.
- صافی، لطف الله (۱۴۰۴ق)، *التعزیر انواعه و ملحقاته*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عباسی، حمید (۱۳۹۵)، «*سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم اقتصادی*»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، س ۲، ش ۴.



- کریمی، حسین (۱۳۶۵)، *موازن قضایی از دیدگاه امام خمینی* علیه السلام، ج ۱، تهران: شکوری.
- مجاهد، مهدی (۱۳۹۵)، «گونه‌شناسی جرایم ارزی به مثابه جرم علیه امنیت اقتصادی کشور»، آفاق امنیت، ش ۳۳.
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ق)، *سلسله الینابیع الفقهیه*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه / الدار الاسلامیه.
- معین محمد (۱۳۸۸)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد (بی تا)، *المقنعه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۱)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ترجمه محمود صلواتی، ج ۳، تهران: نشر تفکر.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۴۱۳ق)، *فقه الحدود و التعزیرات*، قم: انتشارات کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام.
- _____ (۱۳۹۲)، *حقوق و دادرسی کیفری در آینه فقه*، زیر نظر سعید رهایی، قم: رادنگار.
- نجفی، محمدحسن (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۷، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- نمازی، حسین (۱۳۸۲)، *نظام‌های اقتصادی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۵)، «تقریرات درسی جرم‌شناسی» (درآمدی بر جرم‌شناسی یزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی)، دانشگاه شهید بهشتی، ویرایش فاطمه قناد.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۳)، «شفاعت در حد و تعزیر»، پژوهش حقوق کیفری، س ۲، ش ۷.
- _____ (۱۳۹۵)، «کفالت در حد و تعزیر»، حقوق تطبیقی، ش ۱.